نوع مقاله: پژوهشی
10.52547/ph.15.30.97 doi
دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۱۹
پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳

دوفصلنامه علمی پژوهش هنر
سال پانزدهم، شماره سی‌ام، پاییز و زمستان ۱۴۰۴ / ۱۱۵-۹۷

مطالعهٔ عاملیت اشیا در هستی‌شناسی ابژه‌محور از منظر گراهام هارمن، مطالعهٔ موردی: ضبط‌صوت‌های خانه‌موزهٔ دکتر علی شریعتی

منیره سادات نقوی*

چکیده

نوشتار پیش رو به دنبال این پرسش که اشیا به چه روشهایی عاملیت خود را در تعامل با انسان‌ها نشان می‌دهند، به بررسی انواع عاملیت ضبط‌صوت در زندگی علی شریعتی می‌پردازد. اشیا، علی‌رغم ثبات ظاهری، در موقعیت‌های مختلف اجتماعی از هستی‌شناسی انسان‌محور به‌سوی هستی‌شناسی مسطح، که در آن دارای عاملیت هستند، تغییر جهت می‌دهند. مطالعهٔ عاملیت اشیا شامل مطالعهٔ انواع تأثیرگذاری اشیا بر زندگی انسان است. گراهام هارمن از اندیشمندانی است که با طرح هستی‌شناسی ابژه‌محور و برهم‌زدن تفوق انسانی، اشیا را معیار جهان‌بینی خود قرار داده است. این پژوهش، ضمن معرفی هستی‌شناسی مسطح و بیان تفاوت آن با هستی‌شناسی انسان‌محور به بیان ویژگی‌های هستی‌شناسی ابژه‌محور از منظر هارمن می‌پردازد و در ادامه، جایگاهی برای عاملیت اشیا در مدل چهارگانهٔ هارمن در نظر می‌گیرد. این نوشتار با روش کیفی و از توصیف و تحلیل منابع کتابخانه‌ای (مکتوب و الکترونیکی) در کنار مشاهدات میدانی بهره جسته و ابتدا، کارکردهای مفروض برای ضبط‌صوت باتوجه‌به آگهی مجلات در دهه‌های ۱۳۳۰-۱۳۴۰ به‌عنوان وظایف پیش‌بینی‌شده برای اشیا در هستی‌شناسی انسان‌محور در نظر می‌گیرد، سپس، روایت‌های موجود از ضبط‌صوت‌های خانه‌موزهٔ علی شریعتی را بررسی می‌کند. در پایان، از مقایسهٔ پیام آگهی‌ها با متن روایت‌ها معلوم شد گرچه در آگهی‌های تبلیغاتی ضبط‌صوت به‌عنوان وسیله‌ای برای سرگرمی یا نهایتاً تسهیل یادگیری در موقعیت‌های غیررسمی معرفی می‌شده، اما در تحولات اجتماعی معاصر با مشاهیر (در اینجا علی شریعتی) به عامل مبارزه در موقعیت‌های رسمی تبدیل شده و فعالیت کنشگران را هدایت یا منحرف کرده یا گاه به‌جای آنها نقش ایفا کرده است.

واژگان کلیدی: هستی‌شناسی ابژه‌محور، عاملیت اشیا، گراهام هارمن، خانه‌موزهٔ دکتر علی شریعتی، ضبط‌صوت

* دکتری پژوهش هنر، دانشگاه هنر، تهران، ایران.
monirehsadatnaghavi@gmail.com

مقدمه

در جامعه‌شناسی مفهوم عاملیت در مقابل مفهوم ساختار تعریف می‌شود. ساختار[۱] شامل هر الگوی رفتاری تکرارشونده و قاعده‌مندی است که به دنبال مقیدکردن انسان است. اما، عاملیت[۲] به ارادهٔ آزاد فرد در کنشهای اجتماعی گفته می‌شود. هرچند عاملیت اغلب در سطح خرد به کنشگران فردی ارجاع دارد، اما در سطوح کلان و به کنشگران جمعی نیز اشاره دارد. باورمندان به تأثیرگذاری عاملیت در شکل‌دهی به کنش‌های اجتماعی نمودهای مختلفی از نحوهٔ کنشگری عاملیت را مطرح کرده‌اند. گروهی مانند برونو لاتور[۳] ضمن گذاشتن نگرش سلسله‌مراتبی در دوگانهٔ طبیعت -فرهنگ اشیا را عامل مؤثری در شکل‌دهی حرکت‌های جمعی می‌دانند. در این میان، جهان‌بینی معطوف به ابژه[۴] عاملیت اشیا را با درنظرگرفتن رخدادهای همراه با شیء بررسی می‌کند، زیرا، قصد دارد شیء را با پرهیز از تنقیب آن به اجزای تشکیل‌دهنده یا ترفیع آن به کاربردهای محتمل، تعریف کند و روایت دقیق‌تری از نحوهٔ تأثیر شیء در شکل‌گیری کنشهای اجتماعی ارائه کند. ضبط‌صوت از جمله اشیایی است که تکوین آن مقارن با جنگ جهانی دوم بود و با ضبط و بازپخش صدای رهبران به‌جای آنها[۵] نقش ایفا کرد، با محافظت از فرهنگ موسیقی یک سرزمین به مردم دلگرمی داد[۶] و مانند یک سرباز اسیر و به غنیمت گرفته شد[۷]. به همین دلیل موضوع پژوهش‌های جدی قرار گرفت[۸]. در ایران، اما، علی‌رغم تأثیرگذاری ضبط‌صوت بر حوادث انقلاب ۱۳۵۷ هنوز به‌عنوان شیئی مستقل که توانست جای خالی رهبران را پُر کند، به کنشگران روحیه بدهد، جاسوسی کند و گاهی هم موجب گرفتاری کنشگران شود، بررسی نشده است. درحالی‌که برخی تحلیلگران مانند حامد الگار اذعان داشتند انقلاب ایران، انقلاب نوار کاست بود. نوشتار پیش رو با درک ضرورت بررسی نقش‌آفرینی ضبط‌صوت در انقلاب ایران، با استفاده از هستی‌شناسی معطوف به ابژه به مطالعهٔ عاملیت ضبط‌صوت می‌پردازد و هدف آن یافتن صورتهای عاملیت این شیء است. همچنین، باتوجه‌به گستردگی تعریف ابژه/شیء در هستی‌شناسی شیءمحور، مجموعهٔ ضبط‌صوت، نوار کاست و محتوای ضبط‌شده بر آن به همراه روایت‌های مرتبط به‌عنوان یک ابژه در نظر گرفته می‌شود. ازآنجا که در خانه‌موزهٔ علی شریعتی روایت‌های مرتبط با ضبط‌صوت در زندگی یکی از کنشگران انقلاب به‌دقت گردآوری شده بود، دامنهٔ مطالعه به بررسی نحوهٔ عاملیت اشیا در زندگی این کنشگر محدود شده است.

پیشینه

مطالعات عاملیت اشیا اغلب با پشت سر گذاشتن حوزهٔ کارکردی و زیبایی‌شناسی به نقش و جایگاه اشیا در شکل‌گیری تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌پردازد. ضبط‌صوت از جمله اشیایی بود که نقش مهمی در تداوم و به‌ثمررسیدن انقلاب اسلامی در ایران برعهده داشت. مثلاً در مقالهٔ «شورش ایران روی نوار ضبط‌صوت پخش می‌شود» (فوکو، ۱۳۷۷: ۵۳-۶۰) در یک مقایسه از استفادهٔ موفقیت‌آمیز ژنرال دوگل از ترانزیستور برای سرکوبی قیام نظامیان فرانسوی در الجزیره پیش‌بینی می‌کند که احتمالاً شاه ایران هم به دلیل استفادهٔ مردم از نوار ضبط‌صوت به‌عنوان ابزار ضد اطلاعات و نشر اخبار مربوط به اعتصاب‌ها و سرکوبی‌ها برکنار خواهد شد. مقالهٔ «موسیقی و حیات اجتماعی نوار کاست در دههٔ شصت شمسی در ایران» (طاهری‌کیا، ۱۴۰۱: ۱۶۷-۱۹۱) نقش‌آفرینی نوار کاست را پس از انقلاب بررسی کرده و نشان می‌دهد چگونه قابلیت ضبط و پخش مکرر نوار توانسته به جایگزینی موسیقی‌های لس‌آنجلسی و کاباره‌ای با موسیقی‌های انقلابی کمک کرده و تحولات فرهنگ شنیداری ایران در گذار از دورهٔ پهلوی به دورهٔ جمهوری اسلامی را تسهیل کند.

در میان مطالعات غیرایرانی نیز بررسی نقش ضبط‌صوت در تولید و تقویت صدای مخالف موضوع پژوهش‌های مختلفی بوده است. رسالهٔ دکترای «شنیدن فعال: سیاست‌های فرهنگی فناوری‌های ضبط مغناطیسی در شمال امریکا» (Massinon, 2016: 197) نشان می‌دهد که ضبط‌صوت با ورود به حوزهٔ جهانی از انحصار گروهی خاص خارج می‌شود و فضایی برای تعامل میان افرادی را فراهم می‌کند که به‌صورت تفریحی و به قصد تجربهٔ شخصی از آن استفاده می‌کنند. سپس با استناد به قول مارشال مک لوهان «رسانه پیام است» ادعا می‌کند که نحوهٔ ارائهٔ پیام مهمتر از محتوای آن است. او در ادامه نتیجه‌گیری می‌کند که چاپ دارای ویژگی‌های عقلانیت، تفکر خطی و بیگانگی مصرف [خواننده] از تولید [نویسنده] است درحالی‌که، رسانه‌های الکترونیکی شنوندگان را در یک دنیای شنیداری فراگیر که با ویژگی‌های تعاملی بودن، فراگیربودن و مشارکت داشتن مخاطب مشخص می‌شود، درگیر می‌کنند. سپس، استدلال می‌کند که ضبط‌صوت با فراهم‌کردن ضبط چند مسیری[۹] و جداسازی استریو[۱۰] به‌جای روش تک‌بعدی (مثلاً در گرامافون) توانست چندین موضوع را در یک تجربهٔ واحد گردآوری کند. سپس نمونه‌های مختلف از افرادی مانند تونی شوارتز[۱۱] ذکر می‌کند که رسانه‌های ارتباطی به‌ویژه نوارهای مغناطیسی محلی برای تعامل فعال آنها با مصرف‌کنندگان

محصولاتشان فراهم کرده بود. شوارتز توانسته بود به کمک ضبط‌صوت آرشیوی از صداهای مربوط به زندگی روزمره که به رادیو راه نمی‌یافت یا شنیده نمی‌شد، تولید کند. چنین نمونه‌هایی را می‌توان نخستین نتایج استفاده از ضبط‌صوت برای قوت بخشیدن به صداهایی به‌حساب آورد که به دلیل هژمونی ایدئولوژی حاکم، سلیقهٔ زیبایی‌شناختی یا فرهنگ رایج به حاشیه رانده شده بودند[۱۲]. نقش ضبط‌صوت در شنیده‌شدن صدای گروهها موضوع اصلی رسالهٔ «احیای موسیقی زیرزمینی: فرهنگ در حال گذار کاست» (Staub, 2010: 86-92) را تشکیل می‌دهد که در آن نشان می‌دهد ضبط‌صوت عامل همگانی شدن و سهولت دسترسی به ضبط و پخش صدا و توسعهٔ دموکراسی در جوامع موسیقی و خرده‌فرهنگ‌های زیرزمینی بوده است. زیرا، این خرده‌فرهنگ‌ها با شعار خودت انجامش بده[۱۳] که در منطق‌های عملی و ایدئولوژیکی این فرهنگ‌ها متداول بود، توانستند بدون نیاز به استودیوهای مجهز و گرانقیمت آثار خود را منتشر کنند. ضبط‌صوت با حمایت از این ایده که هرکسی می‌تواند موسیقیدان، هنرمند یا هوادار شود، به همهٔ گروهها اجازه می‌داد در تولید فرهنگی-تجربی مشارکت کنند. استاب نتیجه‌گیری می‌کند که آن ساختار ایدئولوژیکی‌ای که توسعهٔ فرهنگ کاسِت را در دههٔ ۱۹۷۰ و ۸۰ تعریف می‌کرد، امروزه جزء حیاتی فرهنگ را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین ضبط‌صوت به ابزاری برای اجرای دموکراسی در فرهنگ موسیقی تبدیل می‌شود و با سلطهٔ استودیوهای موسیقی مقابله می‌کند. درمقابل، مک‌موری در مقالهٔ «روزی روزگاری: تاریخچه‌ای صوری از نوارهای اولیه» (Mac Murray, 2017: 25-48) نشان می‌دهد درحالی‌که خرده‌فرهنگ‌ها به دنبال کسب سهمی از شنیده‌شدن بودند، قدرت‌های در حال منازعه از نوارهای ضبط‌صوت نه فقط به‌عنوان ابزاری برای تحکیم جایگاه خود بلکه به‌عنوان غنائم جنگی استفاده می‌کردند. نویسنده نقش محوری ضبط‌صوت‌های مگنتوفون و پوشش نوارهای آن را در قالب یک سه‌گانه در جنگ جهانی دوم بررسی کرده است: دوران آلمان نازی، از ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۴. دوران اتحاد جماهیر شوروی، از آخرین حمله در جنگ جهانی دوم تا دههٔ ۱۹۶۰ و دوران ایالات متحده، از ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۰. او به نقل از کارولین بردسال و دیگران[۱۴] نشان می‌دهد که رادیو، بخش مرکزی پروژهٔ رسانه‌ای نازی‌ها را تشکیل می‌داد و یک زیرساخت تبلیغاتی بود و به آنها کمک می‌کرد پیام‌های سیاسی خود را در کنار فرهنگ و موسیقی آلمانی منتشر کنند. پخش کنسرت‌های رادیویی چیز جدیدی نبود، اما ادغام پخش رادیویی با نوارهای ضبط‌شده پدیدهٔ جدیدی بود و راهی ارزان‌قیمت برای بازپخش کنسرت‌ها بود، درنتیجه، به طور ناخواسته یک آرشیو عظیم از اجراهای ضبط شده در سالهای آخر جنگ، به ویژه زمانی که ضبط نوار کاملاً حرفه‌ای بود، فراهم شد. اما، پس از شکست آلمان، رادیوی شوروی در تابستان ۱۹۴۵، با تعریف این نوارها به عنوان غنیمت جنگی کاربرد آنها را گسترش داد و جلسات محرمانه یا دادگاه‌ها را بر روی دهها هزار نوار موسیقی ضبط کرد. اما نسخهٔ امریکایی این انتقال متفاوت بود و شامل انتقال فناوری می‌شد.

مظفری‌پور در مقالهٔ «بررسی نظریهٔ اخلاق اشیا و عاملیت فناوری و پیامدهای آن در فرایند تعلیم‌وتربیت» با استفاده از نظریات فربیک[۱۵] نشان می‌دهد اشیا در غالب فناوری با شکل‌دادن به محیط زندگی انسان‌ها توانسته‌اند بر انتخاب‌های آنها تأثیر بگذارند. نویسنده با استناد به فربیک استقلال و قصدمندی را از مؤلفه‌های عاملیت معرفی می‌کند و نحوهٔ تأثیرگذاری عاملیت فناوری بر عاملیت انسانی را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد می‌توان با طراحی فناوری‌های ترغیب‌کننده در فضای عاملیت مشترک میان انسان و اشیا وارد شد و برای مقاصد تربیتی از آن بهره جست (مظفری‌پور، ۱۴۰۰: ۱۱۹-۱۳۸). این مقاله سرنخ‌هایی از نحوهٔ تداخل عاملیت انسان با اشیا و شناخت عاملیت اشیا از طریق توجه به موقعیت‌هایی که عاملیت اشیا بر عاملیت انسان تأثیر می‌گذارد را نشان می‌دهد.

بنابراین، نوشتار پیش رو با درک اهمیت عاملیت اشیا به ویژه ضبط‌صوت در شکل‌گیری تحولات اجتماعی قصد دارد وجوه مختلف نقش‌آفرینی ضبط‌صوت در انقلاب ایران را به روش نظام‌مند بررسی کند و با محدودکردن دامنهٔ پژوهش به روایت‌های موجود در خانه‌موزهٔ علی شریعتی از پراکندگی و کلی‌گویی پرهیز کند.

روش پژوهش

عاملیت اشیا از مفاهیمی است که از سویی در مطالعات فرهنگ مادی و زندگی روزمره نزد جامعه‌شناسان شناخته شده و از سوی دیگر نزد فلاسفه ذیل موضوعات مرتبط با هستی‌شناسی طرح شده است و هر دو گروه مطالعهٔ نقش اشیا در زندگی انسان را بررسی می‌کنند. اما ازآنجایی‌که در اغلب مطالعات جامعه‌شناسانه در حوزهٔ ابژه‌ها بر بعد معنایی، بازنمایی، متن، نشانه و گفتمان تأکید شده و با منفعل درنظرگرفتن اشیا، جایگاه ناچیزی به عاملیت‌های ناانسانی داده شده است[۱۶]. در این پژوهش روش فلاسفه در مطالعهٔ عاملیت اشیا در نظر گرفته شده و ابتدا، هستی‌شناسی مسطح و جایگاه عاملیت اشیا در آن به‌اختصار معرفی می‌شود، سپس، هستی‌شناسی ابژه‌محور از منظر گراهام هارمن معرفی و چگونگی عاملیت

اشیا در نمودار هارمن ارائه می‌شود. نمودار شمارهٔ ۱ موقعیت عاملیت اشیا را در هستی‌شناسی ابژه‌محور نشان می‌دهد (نمودار ۱).

هستی‌شناسی مسطح: در هستی‌شناسی مسطح، که انسان و غیرانسان را دربرمی‌گیرد، انسان‌ها نه علت محض و نه معلول محض، بلکه بخشی از جهان در صیرورت بی‌پایان آن محسوب می‌شوند. همچنین، کنش‌های گفتمانی، موقعیت‌هایی شبه‌انسانی برای عاملیت‌های پیش‌بینی‌شده برای سوژه‌های منفرد، فرهنگ یا زبان نیستند و اصلاً این کنش‌ها مبتنی بر انسان نیستند. در واقع، روایت پساانسان‌گرایانه از رئالیسم عاملیت دربارهٔ کنش‌های گفتمانی، پیش از خروج تحلیل از زمینه، مرزی میان انسانی‌بودن و ناانسانی‌بودن تعیین نمی‌کند (Barad, 2005: 206)؛ بنابراین، در هستی‌شناسی مسطح انسان محیط بر جهان یا مرکز ارزیابی احساسات و تجربیات شناخته نمی‌شود. بلکه خود را در رابطهٔ با انسان و ناانسان می‌یابد. مثلاً در اینجا ضبط‌صوت موجودیت مستقلی دارد که کنشگران انسانی را وادار به مراعات می‌کند. در بخشی از روایت ضبط‌صوت کلاس درس شریعتی آمده است: «[علی] دیگر نمی‌توانست ایستاده درس بدهد و طول سکو را طی کند و دستگیره را فشار دهد و برگردد. باید می‌نشست، مثل یک سخنران مقابل میکروفن، تا صدایش ضبط شود. کمی از این وضعیت دلخور بود. حق داشت. همگان شاهدند که علی تا پایان عمر همواره در کلاس ایستاده حرف می‌زد. من که ندیدم بنشیند، مگر در کلاس اسلام‌شناسی» (URL:2).

در این هستی‌شناسی تعریف مجموعه، نقش و جایگاه اجزا همراه با برهم‌زدن نظام سلسله‌مراتبی است. دلوز و گاتاری مفهوم مجموعه را به شکل درهم‌تنیدگی اشیا و پدیده‌ها تعریف می‌کنند، به طوری‌که، موجودیت‌های ناهمگن بتوانند فارغ از هرگونه نظام سلسله‌مراتبی برای مدت زمان معینی با هم کار کنند. مِزی مدعی است از نظر دلوز و گاتاری حتی انسان نیز یک مجموعه، یک درهم‌تنیدگی و یک گره‌خوردگی از نیروها و قوّت‌ها محسوب می‌شود و درنهایت صدایی که تولید می‌شود، از یک سوژهٔ منفرد نخواهد بود (Mazzei, 2013: 732-740)؛ بنابراین، این دیدگاه برخلاف سوژهٔ دارای عاملیت که در فلسفهٔ قرون وسطی حول تفاوت میان خدا از یک سو و هر چیز دیگر مطرح می‌شد و یا فلسفهٔ مدرن که انسان را به‌جای خدا قرار می‌دهد، این پندار را که یک هستندهٔ خیلی مهم سزاوار است نیمی از هستی‌شناسی را به خود اختصاص دهد، رها می‌کند. لاتور ضمن انتقاد از این دسته‌بندی در فلسفهٔ مدرن، مدرنیسم را دیدگاهی یافت که در آن دو قلمرو متمایز به نام فرهنگ و طبیعت وجود دارند و مدرنیته در تلاش است تا این دو حوزه را از یکدیگر پالایش کند[۱۷]. او سعی کرد این تشکل مدرن را با الگوی مسطح که کنشگران فرهنگی/طبیعی یا انسانی/ناانسانی در آن تکلیف پایه‌ای همسانی دارند، جایگزین کند[۱۸] (هارمن، ۱۴۰۲: ۲۶۴ و ۶۷ و ۷۰).

ذیل هستی‌شناسی مسطح نظریه‌های فلسفی جدیدی مانند حیات گرایی[۱۹]، کنشگر-شبکه[۲۰]، رئالیسم نظرورزانه[۲۱] یا هستی‌شناسی ابژه‌محور (OOO) [۲۲] مطرح شده‌اند. این نظریه‌ها مانند هستی‌شناسی مسطح اغلب به دنبال کنارگذاشتن دوآلیسم‌های فلسفی قدیمی‌ای هستند که بین سوژه‌ها و ابژه‌ها شکاف ایجاد می‌کردند و به سوژه‌ها انسانیت می‌بخشیدند و ابژه‌های بی‌جان را به هر چیزی که برای ما می‌توانست مفید باشند، تنزل می‌دادند. در این دیدگاه‌ها، اشیا را از طریق بی‌تفاوتی نسبت به ما، کارهایی که پشت سرمان انجام می‌دهند و روش‌هایی که «در پشت ظاهرشان» دارند، می‌شناسیم. درواقع، اشیا نیازی ندارند که ما هستی‌شناسی پنهان آنها را ترسیم کنیم. اشیا کنشگرهایی[۲۳] هستند که داخل و خارج مجموعه‌ها[۲۴] می‌افتند و وارد مجموعه‌هایی[۲۵] می‌شوند که خودشان آنها ساخته‌اند. ما پساانسان‌ها یک شیء در دنیایی از اشیا هستیم و این ظرفیت را داریم که به آنچه کانت می‌گفت قابل‌توصیف و اندیشه نیست، فکر کنیم. یعنی: فکرکردن چیزها به خودشان (Cole, 2013: 106-118).

عاملیت اشیا در هستی‌شناسی مسطح: یوهان فیشته[۲۶]

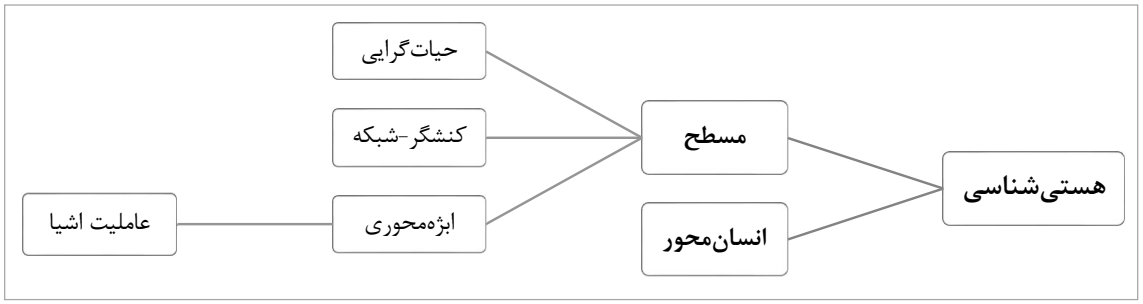

نمودار ۱. جایگاه عاملیت اشیا در هستی‌شناسی مسطح (منبع: نگارنده)

را به‌عنوان اولین متفکری می‌شناسند که سعی کرد از شکافی که ایدآلیسم استعلایی کانت میان سوژه و ابژه ایجاد کرده بود، عبور کند و مسئلهٔ فراخوانی[۲۷] یا درخواست‌های ابژه‌ها از سوژه‌ها را عنوان کند: «چیزها مقدم هستند؛ اما به روش خاص خود: هرگز خاموش نیستند، سروصدا می‌کنند، اما نه هر سروصدایی و میل به شنیدن توسط دیگری را نشان می‌دهند» (همان). بر همین اساس، بیل براوون[۲۸] در نظریهٔ شیء تلاش می‌کند تا با فهم نحوهٔ سخن‌گفتن اشیا، آنها را فراتر از چارچوب متعارف سوژه-ابژه درک کند و امکان درک نوعی از حیات را فراهم کند که انسان‌ها جزء کوچکی از آن هستند (کاظمی، ۱۳۹۸: ۴۱).

چنین دیدگاه‌هایی منتقدانی نیز داشت؛ کول معتقد است گرچه، این میدان‌های مطالعاتی در تلاش‌اند تا هم انسان را در مرکز چیزها قرار ندهند و هم بی‌تفاوتی[۲۹] اشیا را به رسمیت بشناسند. اما همچنان متأثر از اصل لوگوس باستانی عمل می‌کنند؛ اشیا ما را صدا می‌زنند و وجود خود را بیان می‌کنند. فلسفه‌های جدیدتر، با ادعای شنیدن چیزها انسان‌گرایی بسیار قوی و هستی‌شناسی نسبتاً سنتی را به نمایش می‌گذارند که نمونهٔ دیگری از لوگوسنتریسم[۳۰] محسوب می‌شود (Cole, 2013: 106-118). در مقابل، کاظمی متفکرانی مانند لاتور، دلوز، گتاری و اکولوژیست‌هایی مانند تیموتی مورتن را پیرو سنت اسپینوزایی می‌داند که بیشتر بر تجربهٔ موجودات ناانسانی تأکید می‌کنند و ضرورتاً این تجربیات را به امر انسانی بازنمی‌گردانند. به همین دلیل، مثلاً جین بنت[۳۱] انسان‌وارگی را به‌جای انسان‌مداری پیشنهاد می‌دهد تا به‌جای آنکه انسان را در مرکز کائنات قرار گیرد، همه چیز را چنان در نظر گرفته شود که گویی جان دارد و باید با آن تعامل داشت (کاظمی، ۱۳۹۸: ۴۰ و ۴۴).

گروه دیگری از اندیشمندان با پیگیری جان‌پنداری[۳۲] عاملیتی همراه با قصدمندی و استقلال برای اشیا قائل شده‌اند که بر زندگی و سرنوشت انسان‌ها سایه افکنده است. ون‌پول و نیوسام معتقدند باید ویژگی‌های هستی‌شناختی زیربنایی و نقش متافیزیکی/روحی اشیا در مطالعات باستان‌شناختی لحاظ شود. ایشان به کمک شواهد باستان‌شناسی پنج مرحله در عبور از تفکر دکارتی به تفکر عاملیت اشیا شناسایی می‌کنند که در مرحلهٔ پنجم، یک شخصیت «ناانسانی» در اشیا شکل می‌گیرد و محققان از این اصطلاح برای توصیف روح شیء که با انسان به‌عنوان موجودی که هستی‌شناختی مستقلی دارد، در تعامل است، استفاده می‌کنند (VanPool & Newsome, 2012: 243-262). جان‌پنداری در نسبت‌دادن عاملیت به اشیا معتقد است جهان پر از شخصیت‌هایی است که اتفاقاً فقط برخی از آنها انسان یا موجودات بیولوژیکی (مانند گربه) هستند (Harvey,2006: xvii) و برخی دیگر (مانند صندلی) می‌توانند غیربیولوژیک باشند.

بنابراین، عاملیت اشیا که در ابتدا توسط فیشته با طرح مسئلهٔ وحدت میان سوژه و ابژه برای عبور از شکاف ایدئالیسم استعلایی کانت از طریق فراخوانی برای شنیدن صدای اشیا مطرح شده بود، توسط براوون دنبال شد. این دیدگاه با اعتراض منتقدانی مانند کول به دلیل تداوم دیدگاه لوگوسنتریسم[۳۳] و نسبت‌دادن صفات انسانی به موجودات ناانسانی به روبرو شد. درمقابل، بنت انسان‌وارگی (بدون قصدمندی) اشیا را به‌عنوان راه‌حلی مطرح کرد که می‌تواند ضمن برقراری امکان تعامل با اشیا، انسان‌محوری را کنار بگذارد. اما، ون‌پول و نیوسام با تأکید بر نقش متافیزیکی اشیا در مطالعات باستان‌شناختی دین شخصیت‌های ناانسانی را واجد نوعی عاملیت و قصدمندی می‌دانند. در این میان، هارمن با ارائهٔ تعریف جدیدی از اشیا عاملیت آنها را فراتر از ویژگیهای انسانی در یک هستی‌شناسی مسطح در نظر می‌گیرد.

هستی‌شناسی ابژه‌محور: گراهام هارمن[۳۴] که از اعضای همایش رئالیسم نظرورزانه است، با تأثیرپذیری از آرای هایدگر، هوسرل[۳۵] و لاتور برای نخستین بار از اصطلاح «فلسفهٔ ابژه‌محور» در رساله دکترای خود در سال ۱۹۹۹ با عنوان «ابزار-بودن: عناصر در نظریه‌ای از اشیا[۳۶]» استفاده کرد. سپس، لوی برایانت[۳۷] این عبارت را به «هستی‌شناسی ابژه‌محور» تغییر داد.

تعریف اشیا در هستی‌شناسی ابژه‌محور هارمن: در نظریهٔ ابژه‌محور اشیا مفهوم گسترده‌ای دارند که به‌زعم هارمن می‌تواند شامل یک الکترون تا کمپانی هند شرقی هلند باشد. او با تعریف چیزها بر اساس فروکاستن آنها به اجزای تشکیل‌دهنده (یا همان تنقیب[۳۸]) یا کاری که می‌توانند انجام بدهند (یا همان ترفیع[۳۹]) مقابله می‌کند؛ زیرا معتقد است هنگامی که اجزای کوچک بهم پیوند می‌خورند، خواص تازه‌ای به وجود می‌آید. به‌علاوه، اشیای خیالی که غیرمادی هستند نیز از نظر او امکان حضور دارند؛ زیرا قرار نیست اشیا کاملاً فیزیکی باشند یا به‌صورت سرراست قابل‌توضیح باشند. در مجموع، مقابله با فیزیکی‌انگاری[۴۰]، خُردگرایی[۴۱]، سرراست‌گرایی[۴۲] و پرهیز از خیال‌انگاری[۴۳] ویژگی‌های اشیا در نظریهٔ ابژه‌محور هارمن را تشکیل می‌دهد (هارمن، ۱۴۰۲: ۳۳-۵۳).

بنابراین، هستی‌شناسی ابژه‌محور که از هرگونه تنقیب یا ترفیع پرهیز می‌کند، یک ضبط‌صوت را فقط مجموعه‌ای از مدارهای الکتریکی و اجزای پلاستیکی تشکیل‌دهندهٔ آن بر اساس تعریف تنقیبی یا فقط وسیله‌ای برای ضبط و پخش صدا

بر اساس تعریف ترفیعی نمی‌داند. بلکه، ضبط‌صوت می‌تواند بر اساس ویژگی خیال‌انگاری در جزوه‌نویسی با سایر کنشگران هم‌عرض باشد یا به‌جای مدرس قرار بگیرد و دانشجویان را مدیریت کند. به همین دلیل، باتوجه‌به گستردگی تعریف اشیا در هستی‌شناسی ابژه‌محور، مجموعهٔ ضبط‌صوت، نوار کاست و محتوای ضبط‌شده بر آن به همراه روایت‌های مرتبط به‌عنوان یک ابژه در نظر گرفته می‌شود. در این نوشتار دامنهٔ مطالعه به بررسی نحوهٔ عاملیت اشیا در زندگی یک کنشگر محدود شده است.

تعریف مفاهیم مربوط به مدل هارمن: هارمن با استفاده از مفهوم شیء فی‌نفسه نزد کانت نتیجه‌گیری می‌کند که اشیا واقعی -پس‌نشسته- از صحنه ناپدید می‌شوند؛ ولی کیفیاتشان در دسترس و آشکار باقی می‌ماند. به‌این‌ترتیب شکافی میان شیء واقعی (آنچه واقعاً وجود دارد) با کیفیات حسی (ویژگیهای شیء که ناظر دریافت کرده است) می‌یابد. او با بهره از آرای هایدگر و هوسرل مفاهیم شیء و کیفیات واقعی را به دو مفهوم قبل می‌افزاید و با برقراری نسبت میان این مفاهیم چهارگانه مدل خود را تکمیل می‌کند (نمودار ۲). هارمن ارتباط میان شیء واقعی با کیفیات حسی را «فضا» می‌نامد. فضا معادل مجاورت، فاصله، هر آنچه در آن است و از ما دور شده و گستره‌ای که ما هم به آن تعلق داریم، تعریف شده است. هارمن رابطهٔ میان شیء حسی با کیفیات حسی را متأثر از پدیدارشناسی هوسرل «زمان» (نه معادل حرکت عقربه‌های ساعت بلکه به معنای حس ما از تجربهٔ زمان) می‌نامد که دربردارندهٔ پایایی و تغییر است. او رابطهٔ میان شیء حسی با کیفیات واقعی در این نمودار را با وام‌گرفتن از توصیف افلاطون برای فرم‌های کامل «صورت» [۴۴] می‌نامد و ارتباط میان شیء واقعی با کیفیات واقعی آن را نیز «ذات»[۴۵] در نظر می‌گیرد (همان، ۱۷۲-۱۵۹).

جایگاه عاملیت اشیا در مدل هارمن: بر اساس این نمودار عاملیت اشیا در نسبت میان شیء واقعی با کیفیات حسی جای می‌گیرد. یعنی ناظر برای شیء واقعی کیفیاتی را ادراک می‌کند که با قصدمندی توسط شیء به وجود نیامده‌اند، اما در فضایی که هر چیز در آن جای گرفته و نسبت خود را با شیء دیگر معلوم کرده، ظهوریافته و ناظر با گذاشتن خود به‌جای شیء (استعاره[۴۶]) آن را ادراک کرده است. هستی‌شناسی ابژه‌محور ضمن پذیرش شیء فی‌نفسهٔ کانتی سعی می‌کند راه خود را به‌سوی فهمی که ممکن است نزد اشیا باشد، باز کند. زیرا هارمن معتقد است فقط انسان نیست که به چیزها می‌اندیشد چه‌بسا آتش و پنبه هم، به سیاق انسان‌ها، نسبت به هم فهمی ندارند (هارمن، ۱۴۰۲: ۲۶۷). قائل‌شدن فهم برای چیزها هم به معنی به‌رسمیت‌شناختن واقعیت مستقل آنها است و هم از حوزه‌های معرفتی جدیدی خبر می‌دهد که ممکن است انسانها به آن‌ها راه نداشته باشند.

مثلاً پس از ورود ضبط‌صوت تغییرات پیش‌بینی نشده‌ای اتفاق می‌افتد: ضبط‌صوت که شیء واقعی است گفتار را که موقتی و محدود بود به متن مکتوب (نوار و کتاب) که ماندگار و قابل‌انتشار است تبدیل می‌کند و در برابر موقتی بودن حضور سخنران، مقاومت می‌کند و بر کیفیات حسی مخاطب تأثیر تازه‌ای می‌گذارد. چه‌بسا اختیار را از دست سخنران خارج می‌کند و در جایی که نباید شنیده یا خوانده شود، به‌عنوان مدرکی علیه او مورد استناد قرار می‌گیرد و به این‌ترتیب در فضای تازه‌ای که شکل‌گرفته کیفیات حسی مخاطب اعم از شنونده و سخنران تغییر می‌کند.

در آخر اینکه در هستی‌شناسی ابژه‌محور اشیا کنش می‌کنند؛ چون وجود دارند، نه اینکه چون کنش می‌کنند وجود دارند. یعنی نظریهٔ اجتماعی باید مبتنی بر واقعیت اشیا باشد نه کنش‌های آنها، چرا که تمرکز بر کنش اشیا به معنی ترفیع آن‌ها است (همان، ۲۶۸) که مخالف با عاملیت شیء است. به‌خاطر داشته باشیم که از منظر اومانیستی، عاملیت ویژگی ذاتی سوژهٔ ذات‌گرا، قصدمند و آزاد است که او را قادر می‌سازد تا در جهان عمل کند. نسبت‌دادن «عاملیت» به چیزی به معنای این است که او یک کنشگر مختار است که به جای تصمیم‌گیری، انتخاب می‌کند. عاملیت سوژه در یک پارادایم پساساختاری شامل توانایی سوژه برای رمزگشایی و رمزگذاری

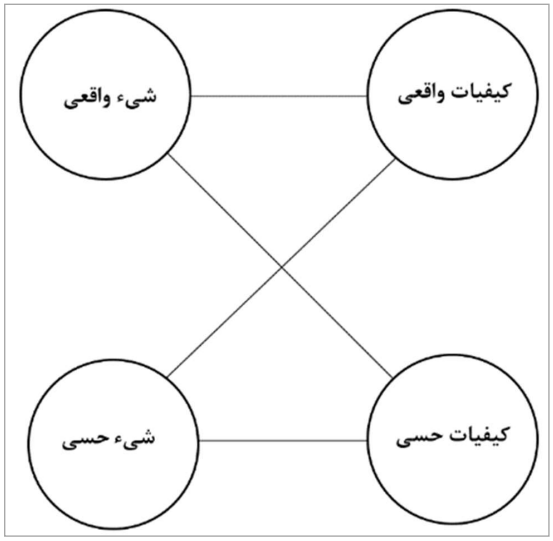

نمودار ۲. شیء چهارگانه: دو نوع کیفیت وجود دارد؛ واقعی و حسی. از آنجا که اشیاء نمی‌توانند بدون کیفیت‌ها وجود داشته باشند و برعکس، تنها چهار نوع ترکیب وجود دارد که در نمودار با چهار خط بین دایره‌ها نشان داده شده است. (هارمن، ۱۴۰۲: ۱۷۰)

مجدد هویت خود در قالب کنش‌های فرهنگی و گفتمانی است. براین اساس در روایت‌های مربوط به ضبط‌صوت باید به دنبال مواردی باشیم که این وسیله همانند یک سوژهٔ آزاد عمل کرده یعنی هم در مواردی که با کنشگران همکاری کرده و هم مواردی که با کنشگران مخالفت کرده را در نظر بیاوریم.

متن پژوهش

در این قسمت ابتدا با استفاده از آگهی‌های مربوط به دهه‌های ۱۳۴۰-۱۳۳۰ به بررسی وظایف در نظر گرفته شده برای ضبط‌صوت در هستی‌شناسی انسان‌محور پرداخته می‌شود. سپس، با استفاده از روایت‌های مربوط به نقش ضبط‌صوت در زندگی علی شریعتی که توسط خانه‌موزهٔ شریعتی گردآوری شده است، عاملیت اشیاء در یک هستی‌شناسی ابژه محور بررسی می‌شود. آگهی‌ها از سویی و روایت‌ها از سوی دیگر کمک می‌کنند فضایی که ضبط‌صوت در آن به عنوان شیء واقعی با کیفیات حسی (که محل ظهور عاملیت این شیء خواهد بود) شناخته می‌شود، ترسیم شود.

بررسی شیء واقعی (ضبط‌صوت) در فضای هستی‌شناسی انسان‌محور: بر اساس آگهی‌هایی که محسن میرزایی گردآوری کرده معلوم می‌شود ورود فونوگراف یا حبس‌الصوت مقدم

تصویر ۱. تبلیغ رادیوی آلمانی لورنس در روزنامهٔ اطلاعات (میرزایی،۱۳۹۶/ ج:۳ص۱۲۶).

بر رواج رادیو در ایران بوده است: نخستین فرستندهٔ رادیو در تهران در اردیبهشت ۱۳۱۹ (پنج ماه پیش از آغاز جنگ جهانی دوم) افتتاح شد و به دنبال آن رادیو صبا مدل ۱۹۴۰ وارد بازار شد (میرزایی، ۱۳۹۶: ۱۱۴). همچنین، متن این آگهی‌ها اغلب به موارد فنی و کاربردی رادیوها مانند چهار یا شش لامپ داشتن در کنار نام کشور سازنده (مثلاً کرسلی از آمریکا، پایار از سوئیس، تفاک و لورنس از آلمان) اشاره شده است و کمتر کاربری‌های مختلف رادیو یا گرام به مصرف‌کننده پیشنهاد شده است (تصاویر ۱ و ۲ و ۴).

اولین نمونه‌های ضبط‌صوت‌هایی که با استفاده از نوار کاست کار می‌کردند، در اواسط دههٔ ۴۰-۵۰ش، از طریق مصر و لبنان وارد خاورمیانه شد و از همان ابتدا، موجب تولید محتواهای شنیداری مختلفی در حوزه‌های سیاست، فلسفه، اقتصاد و موسیقی شد. نوارهای کاست موقعیت‌های جدیدی از ابراز عقیده و بیانگری را ایجاد می‌کرد و سبب می‌شد نظام آوا فقط منحصر به قدرت‌های مسلط سیاسی نباشد و گروه‌های مختلف اجتماعی آوای ناشنیدهٔ خود را ضبط و تکثیر کنند(URL:3).

برخی از مدلها مانند لین‌کلن علاوه بر اینکه رادیو بودند، قابلیت پخش صفحه نیز داشتند (تصویر ۳).

بخش عمده‌ای از این آگهی‌ها سرگرم‌شدن در ساعات شب به‌وسیلهٔ یک دستگاه رادیو-گرام را به‌عنوان مهمترین مزیت این شیء می‌دانند (تصاویر ۵ و ۶).

اشاره به رایگان بودن تعمیرات پس از فروش - که مشتری را بر دوام و کیفیت مرغوب آن متقاعد می‌کرد - و همچنین،

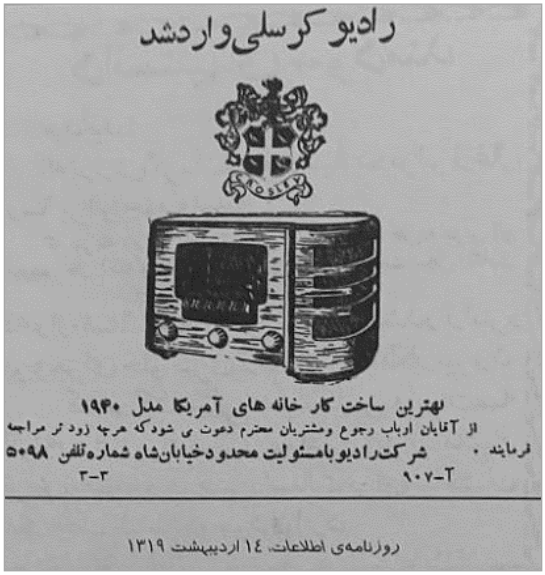

تصویر ۲. تبلیغ رادیوی آمریکایی کرسلی در روزنامهٔ اطلاعات (میرزایی،۱۳۹۶/ ج۳، ص۱۱۹).

تصویر ۳. تبلیغ رادیو-گرامافون لین‌کلن در روزنامهٔ اطلاعات (میرزایی، ۱۳۹۶/ج۳: ص۱۲۹).

مورد پسند واقع‌شدن کیفیت صدای آن از سوی شنوندگان حرفه‌ای موسیقی یا اغلب مردم از دیگر استدلال‌هایی است که در آگهی‌ها مطرح شده است و هر چه بیشتر رادیو را وسیله‌ای بی‌نقص در خدمت انسان معرفی می‌کند (تصاویر ۷ و ۸).

در میان تبلیغات موجود در دههٔ ۳۰ یک تبلیغ دیده می‌شود که در آن بر قابلیت ضبط صدا به منظور آموزش تأکید شده است. در این آگهی پیشنهاد شده که می‌توان از ویژگی ضبط صدا برای آموزش تلفظ صحیح واژه‌ها به کودکان در

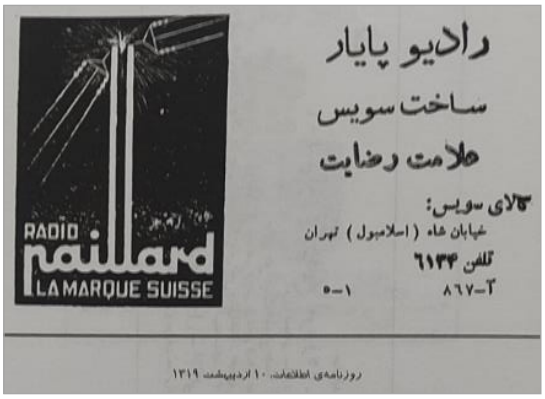

تصویر ۴. تبلیغ رادیوی سوئیسی پایار در روزنامهٔ اطلاعات (میرزایی، ۱۳۹۶/ج۳: ص۱۱۷).

تصویر ۵. معرفی رادیو به‌عنوان سرگرمی در روزنامهٔ اطلاعات (میرزایی، ج۳ص۱۵۴)

تصویر ۶. معرفی رادیو-چراغ برای سرگرمی در روزنامهٔ اطلاعات (میرزایی، ج۴ص۱۱۴)

کودکستان استفاده کرد. این نمونه، اولین موردی است که ضبط‌صوت را با موضوع آموزش پیوند زده و حبس‌الصوت را دستیار معلم معرفی کرده است (تصویر۹).

به نظر می‌رسد چنین پیشنهادهایی متأثر از تبلیغ ضبط‌صوت در جراید خارجی بوده است؛ زیرا در آگهی‌های دهه‌های ۱۳۳۰-۱۳۴۰ پیشنهادهای متنوع‌تری برای استفاده از این شیء دیده می‌شود. مثلاً جنرال الکتریک در یک آگهی مربوط به سال ۱۳۴۴ دربارهٔ ضبط‌صوت قابل حمل خود به مشتریانش می‌گوید که می‌توانند برای ضبط تمامی موقعیت‌های خانوادگی از آن استفاده کنند:

- برای ضبط صدای کودک وقتی اولین کلمات را بر زبان جاری می‌کند.
- برای ضبط صدای مهمانی‌ها و جشن تولدها وقتی یکی از مهمانان ساز می‌زند.
- برای ضبط صدای سخنرانی پدر تا بتواند بهتر خود را برای تدریس در دانشگاه آماده کند.
- برای ضبط صدای مادر و فرستادن آن به همراه نامه برای فرزندی که مشغول خدمت سربازی است.

نحوهٔ استفاده، مدت ضبط صدا، برتری‌های فنی نسبت به رقبا، قیمت، تشویق به تهیهٔ این محصول در صورت داشتن دوربین عکاسی از جمله موارد دیگری است که در این آگهی به آنها اشاره شده است (تصویر ۱۰).

ضبط‌صوت پاناسونیک با گردآوری ضبط‌صوت و رادیو در یک وسیله مصرف‌کنندگان را ترغیب به خرید می‌کند. همچنین دکمه‌ای برای هنگام خواب در نظر گرفت شده که در صورت به خواب‌رفتن ضبط یا رادیو خودبه‌خود خاموش شود و به‌این‌ترتیب هرچه بیشتر در خدمت رفع نیازهای انسان باشد (تصویر ۱۱).

با توجه به متن آگهی‌هایی که کیفیات واقعی ضبط‌صوت را بیان می‌کنند معلوم می‌شود که در این آگهی‌ها بر اساس هستی‌شناسی انسان‌محور با ضبط‌صوت برخورد شده و فهرستی از وظایف مانند ضبط و پخش موسیقی‌های برآمده از ادبیات انتقادی (پس از ماجرای کودتا در ایران)، ثبت اولین کلمات اداشده توسط کودکان به‌عنوان یادگاری، تمرین تلفظ صحیح کلمات برای کودکان و افراد دارای مشکل در این زمینه، تمرین سخنرانی برای معلمان و اساتید دانشگاه‌ها، پخش موسیقی به‌منظور سرگرمی در دورهمی‌های خانوادگی و دوستانه و

تصویر ۷. تضمین تعمیر رایگان در روزنامهٔ اطلاعات (میرزایی، ۱۳۹۶/ ج۳:ص۳۵۱)

تصویر ۸. تضمین کیفیت صدا از سوی شنوندگان حرفه‌ای(میرزایی، ۱۳۹۶/ج۳:ص۳۵۴)

تصویر ۹. پیشنهاد به استفاده از ضبط‌صوت برای اصلاح گفتار کودکان در کودکستان در روزنامهٔ اطلاعات (میرزایی، ۱۳۹۶/ج۳: ص۳۹۵)

همچنین ضبط صدای دوستان و نزدیکان به‌عنوان یادگاری در نظر گرفته شده است. در جدول ۱، وظایف ضبط‌صوت در هستی‌شناسی انسان‌محور، براساس آگهی‌های بررسی‌شده، در دو بخش ترفیع (کارهایی که در آگهی‌ها برای ضبط‌صوت پیش‌بینی شده) و تنقیب (اجزای تشکیل‌دهندهٔ ضبط‌صوت) دسته‌بندی شده است.

لازم به یادآوری است که اشاره به کارکردهای ضبط‌صوت علاوه بر ترغیب مصرف‌کننده بیانگر جایگاه این شیء به‌عنوان وسیله‌ای در خدمت انسان و درنتیجه دارای پایین‌ترین سطح عاملیت است. هارمن با چنین دیدگاهی که یک شیء را به تنقیب یا ترفیع فرومی‌کاهد و به دنبال نگاه سرراست به ابتدایی‌ترین ویژگی‌های یک شیء است مقابله می‌کند و معتقد است با استفاده از نگاهی خیال‌انگارانه می‌توان عاملیت شیء را در فضایی که مجموعه‌ای از کنشگران انسانی و ناانسانی است، شناسایی کرد. چنین نگاهی نیازمند توجه به کیفیات حسی شیء است. یعنی ناظر در یک رخداد (ضبط‌صوت و کاست و محتوای آن) برای شیء واقعی کیفیاتی را ادراک می‌کند که با قصدمندی توسط شیء به وجود نیامده‌اند، اما در فضایی که هر چیز در آن جای گرفته و نسبت خود را با شیء دیگر معلوم کرده (در اینجا فضای انقلاب اسلامی ایران که ضبط‌صوت یکی از کنشگران آن است)، ظهوریافته و ناظر

تصویر ۱۰. تبلیغ ضبط‌صوت قابل حمل جنرال الکتریک(URL:4)

تصویر ۱۱. تبلیغ انواع ضبط‌صوت جنرال الکتریک با امکانات ویژه(URL:5)

به نحوی با گذاشتن خود به‌جای شیء عاملیت‌های آن را درک کرده است. اما برای شناخت عاملیت‌هایی که از سوی شیء اعمال شده لازم است آنچه فراتر از وظایف و ویژگیهای شیء برقرار شده استخراج شود. روایت‌ها و نقل قولهایی که به ابعاد مختلف حضور شیء در زندگی کنشگران می‌پردازند می‌تواند منبع مناسبی برای این منظور باشد.

بررسی کیفیات حسی شیء (ضبط‌صوت) در نمونه‌ای از هستی‌شناسی مسطح: در این هستی‌شناسی انسان و غیرانسان جایگاه برابری به خود اختصاص می‌دهند و بر اساس تصادف در مجموعه‌ای درهم‌تنیده در کنار هم قرار می‌گیرند. نقش‌آفرینی ضبط‌صوت در زندگی و زمانهٔ شریعتی موجب شد تا این شیء به‌عنوان یک کنشگر در زندگی او در نظر گرفته شود. روایت‌های متعددی از این شیء در موجود و مؤید این مدعا است.

خانه‌موزهٔ علی شریعتی یکی از انواع خانه‌موزه‌هاست[۴۷] که در تهران خیابان فاطمی خیابان جمالزادهٔ شمالی کوچهٔ نادر پلاک ۱۰ قرار دارد. علی شریعتی به همراه خانواده در سالهای ۱۳۵۲-۱۳۵۶ در این خانه می‌زیست. براساس توضیحات تابلوی ورودی، این خانه در سال ۱۳۷۷و پس از تصویب لایحهٔ خرید خانهٔ مشاهیر و تبدیل آنها به موزه، به همراه تمامی اشیا، مبلمان و وسایلی که در آن موجود بود از ورّاث خریده شد. این خانه در سال ۱۳۸۲ با پیمانکاری یک شرکت سویسی مقاوم‌سازی و ضدزلزله شد و تغییراتی در آن داده شد؛ حمام، انباری، پلکان پشت بام حذف و به جای آن یک اتاق به‌عنوان اتاق‌خواب والدین ساخته شد. اتاق‌خواب‌های بچه‌ها در طبقهٔ دوم با هم ادغام و به یک سالن همایش تبدیل شد. آشپزخانه و حیاط‌خلوت خانه هم به آبدارخانه و سرویس بهداشتی تبدیل شدند. در طبقهٔ اول دریچه‌ای که از آشپزخانه به سالن باز می‌شد کور شد. کف‌سازی در حیاط کاملاً تغییر کرد و مکانی هم برای اتومبیل مسکوویچ شریعتی در نظر گرفته شد. فقط اتاق کار شریعتی در طبقهٔ دوم و اتاق خواب مهمان در طبقهٔ اول دست‌نخورده باقی ماندند. مبلمان و اثاث قدیمی تعمیر و در بازآرایی خانه‌موزه به‌کار گرفته شده است. ضبط‌صوت‌ها از جمله اشیایی هستند که به این خانه بازگردانده شده و در اتاق پذیرایی، اتاق کار شریعتی، اتاق مهمان و سالن همایش به چشم می‌خورند. روایت مختصری از ضبط‌صوت‌ها به خط نستعلیق در کنار آنها نوشته شده که بخشی از سناریوی بازدید[۴۸] را تشکیل می‌دهد.

اولین نمونه، ضبط‌صوتی است که توسط سید امین شجاعی به موزه اهدا شده و ماجرای پیچیده‌ای دارد. شریعتی پس از بازگشت به ایران مدتی به‌عنوان دبیر به تدریس مشغول می‌شود و سرانجام در گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد پذیرفته می‌شود. از طرفی، به دلیل نحوهٔ تدریس امکان یادداشت‌برداری از کلاسهایش برای دانشجویان مقدور نبود و از طرف دیگر چون منبع مشخصی برای امتحان آخر ترم تعیین نمی‌کرد، دانشجویان سردرگم می‌ماندند؛ بنابراین ایدهٔ ضبط و پیاده‌سازی کلاس‌ها مطرح می‌شود. سید امین شجاعی چنین روایت می‌کند:

... بی‌درنگ راه خیابان خسروی را که در آن زمان به خیابان «کج» معروف بود گرفتم و یکراست به «رادیو شهاب» رفتم. گفتم ضبط‌صوتی می‌خواهم که برق و باتری باشد تا بتوانم در هر جلسه به اندازهٔ دو ساعت ضبط کنم. گفت: «پس آداپتور می‌خواهد و یک میکروفن هم لازم است». گفتم: «میکروفن را روی تریبون می‌گذارم و ضبط را روی دستهٔ

جدول ۱. دسته‌بندی فهرست ترفیع و تنقیب ضبط‌صوت در هستی‌شناسی انسان‌محور

موضوع	چگونگی	مثال
ترفیع (وظایف درنظرگرفته‌شده برای ضبط‌صوت در آگهی‌ها)	ایجاد سرگرمی تازه	گوش دادن به موسیقی دلخواه در زمان دلخواه
	مشارکت در ثبت خاطره	ضبط صدای مهمانی‌ها ضبط صدای اولین کلمات کودک ضبط صدای دوستان و اعضای خانواده
	بهبود کیفیت آموزش	ضبط صدای معلم تصحیح تلفظ کودکان تمرین سخنرانی در کلاس
تنقیب (اجزای تشکیل‌دهندهٔ ضبط‌صوت)	تأکید بر ویژگیهای فنی	کیفیت مطلوب پخش صدا ضمانت تعمیر رایگان در صورت بروز نقص

(نگارنده)

صندلی امتحانی که پهن است و خوشبختانه صندلی من در ردیف اول، سمت چپ کنار پنجره و درست مقابل تریبون است و پریز هم در یک‌قدمی است». [فروشنده] نگاهی به انواع ضبط‌صوتهای ویترین انداخت و کیف مرا ورانداز کرد و یک ضبط‌صوت ناسیونال ژاپنی و میکروفن و آداپتور را در اختیارم گذاشت. نمی‌دانم چه مبلغی بود همین‌قدر یادم هست که بر روی فاکتور مشخصات ضبط‌صوت ناسیونال برق و باتری RQ-152S (serial no. 008703) و مبلغ را که درست معادل یک ماه حقوقم بود، نوشت (URL:2).

ضبط‌صوت در این روایت در یک درهم‌تنیدگی پیچیده با سایر کنشگران قرار می‌گیرد. در مرحلهٔ نخست ضبط‌صوت به مثابه یک هم‌کلاسی است که به‌خوبی می‌تواند آنچه استاد در کلاس می‌گوید را حفظ کند. اما او برای فعالیت صحیح و دقیق به ملزومات نیاز دارد. باید نزدیک پریز برق باشد به‌علاوه باید در جای ثابتی مستقر بشود؛ بنابراین حرکت کنشگر اصلی صحنه را که همان شریعتی است، محدود می‌کند و عاملیت خود را در اینجا کاملاً نمایان می‌کند. در مرحلهٔ بعد برای تکمیل کار خود به یک میکروفن نیاز دارد که با اتصال آن به شریعتی کاملاً او را به صندلی میخکوب می‌کند. ضبط‌صوت با تحمیل نظم بدنی عاملیت خود را به شکل عریان به نمایش می‌گذارد. اما این تمام ماجرا نیست. ضبط‌صوت با محصولی که تولید می‌کند چرخه‌ای از فعالیت‌ها منظم انسانی را فعال می‌کند؛ یک نفر باید آنچه ضبط شده را پیاده‌سازی کند، نفر دیگری تایپ و شخص دیگری تکثیر کند. به این‌ترتیب در کنار سایر کنشگران قرار می‌گیرد. در ادامه مکانی در دانشگاه به خود و سایر کنشگران اختصاص می‌دهد و صدایی که به کمک ضبط‌صوت به نوشتار تبدیل شده به میان مردم می‌رود. هر چند این ساختار از نظمی سلسله‌مراتبی پیروی نمی‌کند؛ اما اگر ضبط‌صوت را از مرکز این چرخه خارج شود، همه چیز متوقف خواهد شد. هرچند در آگهی‌ها تبلیغاتی به نقش ضبط‌صوت در آموزش اشاره شده است، اما ضبط‌صوت را در جایگاه هدایت یک فعالیت جدی و اجتماعی نشان نمی‌دهد. به بیان دیگر، در اینجا عاملیت در ضبط‌صوت نقش پیش‌بینی شده‌ای در هستی‌شناسی انسان‌محور نبود و به‌صورت تصادفی شکل‌گرفته بود. هزینه‌ای که بابت تهیهٔ آن پرداخته شده و نحوهٔ پرداخت، ضبط‌صوت را هم‌ردیف یکی از عائله‌های شجاعی قرار داده و حیات غریبی به آن بخشیده است. در این روایت چندین کد اصلی در شناسایی عاملیت ضبط‌صوت (شیء واقعی) خودنمایی می‌کند: ضبط‌صوت به جای دانشجویان جزوات استاد را ثبت می‌کند و نقش دانشجویی را می‌پذیرد، ضبط‌صوت نظام بدنی استاد را محدود و مقید می‌کند پس بر کنشگر انسانی محدودیت تحمیل می‌کند، ضبط‌صوت با رهبری پنهان خود مجموعه‌ای از کنشگران انسانی و ناانسانی را تشکیل می‌دهد.

البته ورود ضبط‌صوت به دنیای انسان‌ها در آن دوره به ضبط یک کلاس درس دانشگاهی محدود نمی‌شده و کلاس‌های حوزوی نیز ضبط می‌شده است:

حجت‌الاسلام فردوسی‌پور می‌گوید: «امام در نجف اشرف اجازه نمی‌دادند کسی برای ضبط درس، ضبط‌صوت همراه بیاورد یا برای عکاسی دوربین بیاورد، شبی جناب حجت‌الاسلام غروی که در دفتر حضرت امام در نجف بودند، پیغام دادند که امام فرموده‌اند فردا ضبط‌صوت بیاورید. ما از این پیغام تعجب کردیم. با این که امام مخالف ضبط درس بودند، چرا خودشان پیشنهاد آوردن ضبط‌صوت را داده‌اند» (شعاع‌حسینی و روح‌بخش، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

ضبط‌صوت مانند یکی از اعضای کلاس باید برای ورود و ضبط اجازه می‌گرفته است. زیرا گاهی بودند ضبط‌صوت‌هایی که مانند یک عضو نفوذی ساواک وارد یک جمع می‌شدند و با ضبط آنچه گفته می‌شد، مدارک لازم برای بازجویی‌های بعدی را فراهم می‌کردند:

ساعت ۹ صبح روز دوشنبه ۲۰ /۱۰/ ۴۴ کمیسیونی با شرکت رؤسای ساواک شهربانی ـ ژاندارمری در دفتر کار ریاست ساواک اصفهان تشکیل و پس از تبادل نظر با توجه به دستورات واصله از مرکز تصمیمات ذیل اتخاذ گردید... صاحبان مجالس بزرگ و بااهمیت موظف هستند که یک دستگاه ضبط‌صوت گذارده و کلیه سخنان وعاظ را ضبط و نوار پس از پایان روضه به‌وسیلهٔ اطلاعات شهربانی کنترل گردد .(URL:6)

... اسناد از دستگیری سه نفر در روستای سریش‌آباد از توابع قروه در تاریخ دوم اردیبهشت ۱۳۵۷ خبر می‌دهند. در بازرسی از منزل این افراد ۱۵ حلقه نوار ضبط‌صوت... از منزل ابراهیم قنبری و ۱۶ عدد نوار ضبط‌صوت... و یک دستگاه پخش ضبط‌صوت از منزل علی‌اکبر شفیعی کشف شد(URL:7).

گاهی نیز همین ضبط‌صوت‌ها با کارنکردن عاملیت خود را نشان می‌دادند. مانند ضبط‌صوت‌هایی که موساد به ساواک تحویل داده بود و کار نمی‌کردند:

«در مورد ضبط‌صوت‌های ادی‌بوی گفته شد که چون بنا به اظهار اداره کل پنجم ضبط‌صوت‌های موردبحث کار نمی‌کنند جلسه ملاقاتی بین نمایندگان ادارات کل پنجم و ششم از یک طرف و نماینده سرویس اسرائیل در هفته آینده تشکیل و موضوع مورد مذاکره قرار گیرد.» (URL:8)

به‌درستی معلوم نیست که کدام حزب برای اولین بار

ضبط‌صوت را به عنوان یکی از اعضای خود پذیرفت و در انجام فعالیت‌های سیاسی به کار گرفت. آیا ساواک با ضبط مکالمات تلفنی و پیاده‌سازی آنها و یا ضبط سخنرانی‌ها و پیاده‌سازی آنها و سندسازی علیه سخنرانان به اعضای گروههای مبارز نشان داد ضبط‌صوت می‌تواند عضوی صادق و امانتدار باشد یا اینکه اعضای احزاب در اثر ایده‌گرفتن از مبارزین سایر کشورها به این نتیجه رسیده بودند. مثلاً «کمیتهٔ دفاع از خود کارگران» در لهستان بولتن‌های سیاسی چاپ می‌کردند و با شعار «بخوانش، کپی کن و به دیگری برسان» یک عزم عمومی برای کاری انقلابی کرده بودند. گر چه بین آن مبارزات و نهضت اسلامی ایران تفاوت‌هایی اساسی وجود داشت، اما این شعار می‌توانست برای موقعیت نوارهای کاست هنگام انقلاب ایران نیز مورد استفاده قرار گیرد که «گوش بده، کپی‌اش کن و به دیگری برسان» (URL:9). به هرحال، ضبط‌صوت به عنوان عضوی تأثیرگذار و دارای عاملیت شناخته شده بود که قدرت داشت و می‌توانست افراد را با هم متحد کند و لازم بود علیه آن اقدام شود:

«مساجد نوارهای تازهٔ او را پخش می‌کردند. نوارهایی که باید با تماس تلفن دریافت می‌شد. باید راهی برای کنترل آن وجود داشته باشد. به طوفانیان گفتم: گروه پنج‌نفره باید طرحی برای کنترل ارتباطات ایران تهیه کند. اگر قرار است کشور را اداره کنند، به چنین طرحی نیاز دارند. به ازدست‌رفتن ادارهٔ کنترل گمرکات اشاره کردم، که می‌تواند راهی برای ورود نوارهای امام خمینی و اسلحه و مهمات باشد. حرف مرا فوراً فهمید و نیاز به برپایی جلسات فشردهٔ برنامه‌ریزی را تأیید کرد» (هایزر،۱۳۶۵: ۹۶- ۹۷).

از این روایت‌ها کدهای دیگری از عاملیت ضبط‌صوت معلوم می‌شود؛ ضبط‌صوت باید مانند یک کنشگر انسانی برای ورود به یک مجموعه اجازه بگیرد، همچنین ممکن است در یک مجموعهٔ انسانی و ناانسانی علیه گروهی از کنشگران انسانی مجموعه اقدام کند و یا عاملیت خود را با کارنکردن و سرپیچی از انجام وظیفه‌ای که در یک هستی‌شناسی انسان‌محور برای او در نظر گرفته شده، نشان بدهد.

بعدها نیز نقش مؤثر ضبط‌صوت از تحلیل‌های رسانه‌ای دور نماند؛ یک روزنامه‌نگار آمریکایی با لحنی تمسخرآمیز اظهار داشت روی قبر شاه بنویسید «که او نوار کاست را فراموش کرد» (فرقانی، ۱۳۸۲: ۶۴). حامد الگار، از نویسندگان فارسی‌زبان دانشگاه کالیفرنیا، آن را سمبل تکنولوژیک انقلاب ایران دانست (الگار، ۱۳۶۰: ۱۳۵) و هیملویت[۴۹] تأکید کرد «چشمگیرترین و بدیع‌ترین استفاده از رسانه‌های الکترونیکی برای پیام و ارتباط سیاسی تا به امروز، استفادهٔ امام خمینی (ره) از ضبط‌صوت در طراحی انقلاب ۱۹۷۹ ایران است»(هیملویت،۱۳۷۶: ۱۸). به دلیل نقش‌آفرینی ضبط‌صوت در جریان مبارزات بود که ویلیام هاکتن[۵۰]، استاد دانشگاه ویسکانسن، ضمن طبقه‌بندی نظام‌های رسانه‌ای ذیل معرفی نظام انقلابی در رسانه‌ها نتیجه‌گیری می‌کند: «آنچه در ایران روی داد، بی‌سابقه و حیرت‌انگیز بود. ماشین زیراکس و نوارکاست، نقش با ارزش خود را در کوشش‌های انقلابی اثبات کرده‌اند. انقلاب آیت‌الله خمینی اولین انقلاب نوار کاست بود. هزاران نوار کاست که از بیانات آیت‌الله خمینی پر شده بود در مساجد گذاشته می‌شد و از چشم پلیس پنهان بود. مهم‌تر اینکه این ابزارهای کوچک قابل حمل و نقل به دست میلیون‌ها نفر می‌رسید که از رادیو و تلویزیون و مطبوعات تحت کنترل دولت گریزان بودند» (URL:10).

دومین نمونه، ضبط‌صوت موجود در اتاق کار شریعتی است که بر اساس توضیحات خانه‌موزه در سال ۱۳۵۴ش از طرف مادربزرگ به خانوادهٔ شریعتی هدیه داده شده و شریعتی داستان «حسن و محبوبه» را در سال ۱۳۵۵ش به کمک آن ضبط و منتشر کرده است (تصویر۱۲). حسن آلادپوش و محبوبه متحدین دو تن از دانشجویان شریعتی بودند که در جریان ترور سه مستشار امریکایی مشارکت داشتند و پس از تعقیب و شناسایی توسط ساواک به ضرب گلوله کشته شده بودند (URL:11). او در داستان حسن و محبوبه - با الهام زندگی شاگردانش- برآیندی از تفکرات خود مبنی بر برتری روشنفکر مسلمان بر روحانی مرتجع برای الگو قرارگرفتن در جامعه را ارائه کرده است(URL:12) .

شریعتی که در این دوره به‌ناچار خانه‌نشین شده بود[۵۱]، این ضبط‌صوت را به‌عنوان مخاطب خود انتخاب کرده بود. او تمامی ارتباطات اجتماعی خود را ازدست‌داده یا تعمداً کنار گذاشته بود؛ زیرا هر کس با او ارتباط برقرار می‌کرد از سوی ساواک تعقیب یا بازداشت می‌شد. به‌علاوه، او از سخنرانی

تصویر ۱۲. ضبط‌صوت اتاق کار شریعتی که داستان حسن و محبوبه با آن ضبط شده است (مأخذ: نگارنده)

در کلاسهای دانشگاه یا حسینیهٔ ارشاد محروم شده بود؛ بنابراین هیچ مخاطبی نداشت. ضبط‌صوت در یک مجموعهٔ ناهمگن به‌جای تمام مخاطبان اعم از دانشجویان دانشگاه تا کارمندان و کارگرانی که برای شنیدن سخنان او به ارشاد می‌آمدند، قرار گرفته بود و حتی فراتر از آن بود.

سومین نمونهٔ استفاده از ضبط‌صوت در خانه‌موزهٔ شریعتی نشان می‌دهد که نوارهای ضبط‌شده جای خالی ارتباط میان پدر و فرزندان را نیز پر می‌کردند. احسان که خیلی زود و پیش از اتمام تحصیلات متوسطه برای ادامهٔ تحصیل به امریکا فرستاده شده حالا دلتنگی خود را با نوارهای ضبط‌شده‌ای پر می‌کند که حاوی صدای اهل خانه است. مثلاً در یکی از این نوارها شریعتی دریغ‌ها و آرزوهای خود را پس از آزادی از زندان و خانه‌نشینی (۱۳۵۶) برای احسان ضبط می‌کند که بعدها به‌صورت مقاله منتشر می‌شود (URL:13). استفاده از نوار برای رساندن پیام به عزیزان در زندگی شریعتی مسبوق به سابقه بود. مادر شریعتی به کمک نوارهای ضبط‌شده دلتنگی‌های خود را در زمان سفر او به فرانسه تسلی می‌داد. علی‌اکبر سرجمعی از دوستان شریعتی می‌گوید:

مادر علی آقا گفت بیا! ما می‌خواهیم برای علی صحبت کنیم و تو براش بفرست... ما صدای خانم‌های خانواده را ضبط کردیم؛ مادر دکتر، خواهرانشون، طیبه و طاهره خانم و... همه احوالپرسی کردند و قلیان کشیدند تا علی خوشحال بشود... وقتی مهندس عقیلی خبر شد که می‌خواهیم این نوار را بفرستیم پاریس، همهٔ بچه‌های شلوغ -پلوغ و لات -پات را جمع کرد و گفت ضبط را روشن کنید. گفت مخوم مثل زبیده شو کنُم عناب تر بخورُم، بگردُم دور دریاچه بگیرُم ور هم و ماله قچار مختصر بخرُم و اینها هم می‌گفتند آی بخرُم آی بخرُم. همان نوار را فرستادیم پاریس (URL:14).

در اینجا ضبط‌صوت در مجموعه‌ای دونفره با یک کنشگر انسانی در خلوت شریعتی شرکت می‌کند و مانند یک شخصیت انسانی مخاطب او قرار می‌گیرد؛ ضبط‌صوت در وطن مانند یک کنشگر انسانی مخاطب داستان‌گویی و سخنرانی است و دور از وطن نیز با پرکردن غیاب اعضای خانواده و پخش صداهای آنها مانند یک مشاور عمل می‌کند. پذیرش نقشهای انسانی مانند شنوندهٔ سخنرانی یا مشاور از دیگر کدهایی است که نحوهٔ عاملیت یافتن یک شیء واقعی در پرتو نگاه خیال‌انگارانه را نشان می‌دهد. سرانجام، با استفاده از کدهای به‌دست‌آمده از روایت‌های مربوط به ضبط‌صوت‌ها در خانه‌موزهٔ علی شریعتی سه موضوع که فراتر از تنقیب یا ترفیع (در جدول ۱) و مرتبط با عاملیت ضبط‌صوت (تحمیل شرایط استفاده به مصرف‌کنندگان، کنارزدن محدودیت‌های ازپیش‌تعیین‌شده، نقض اخلاقیات پذیرفته شده در جامعهٔ انسانی) شناسایی شد. که در جدول ۲ حوزه و نحوهٔ اعمال عاملیت هر موضوع

جدول ۲. دسته‌بندی فهرست عاملیت‌های ضبط‌صوت در هستی‌شناسی ابژه‌محور

موضوع	حوزهٔ اعمال عاملیت	نحوهٔ اجرای عاملیت
تحمیل شرایط به مصرف‌کنندگان و کاربران	نحوهٔ تهیه	هزینهٔ بالای تهیهٔ ضبط‌صوت نسبت به درآمد (بر اساس خاطرهٔ سیدامین شجاعی)
	نحوهٔ استفاده	قرارگرفتن گوینده در مکان ثابت، رعایت سکوت در محیط حین ضبط صدا، استفاده از میکروفن برای بهبود کیفیت صدای ضبط‌شده، استفاده از باتری یا آداپتور برای تأمین انرژی ضبط
کنارزدن محدودیت‌های ازپیش‌تعیین‌شده	مقابله با حصر مکان	غلبه بر انحصار آموزش به دانشگاه، غلبه بر شرایط ناشی از تبعید (امام خمینی)
	مقابله با حصر زمان	آوردن گذشته به حال و آینده از طریق ثبت خاطرات، دائمی‌سازی زمان حال (تکرار دائم سخنرانی‌هایی که در جای دیگر و زمان دیگر ایراد شده‌اند)
نقض اخلاقیات پذیرفته‌شده در جامعهٔ انسانی	وفاداری	شهادت‌دادن علیه کسانی که از ضبط‌صوت استفاده کرده‌اند.
	کمک به دشمن	استفادهٔ همزمان گروه مقابل از ضبط‌صوت

(نگارنده، ۱۴۰۴)

دسته‌بندی و معرفی شده است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله پیشنهادهایی که برای نحوهٔ استفاده از ضبط‌صوت در آگهی‌ها ارائه شده بود به‌عنوان فهرستی از کاربردهای یک مصنوع مبتنی بر هستی‌شناسی انسان‌محور در نظر گرفته شد و در مقابل کاربردهایی که به تدریج در بستر جامعه برای ضبط‌صوت شکل گرفت - که با آنچه در آگهی‌های مطرح شده بود، مغایرت داشت - به‌عنوان فهرستی از عاملیت‌های ضبط‌صوت در هستی‌شناسی ابژه‌محور در نظر گرفته شد.

در آگهی‌های منتشر شده دربارهٔ ضبط‌صوت پیشنهادهایی برای استفاده از این وسیله پس از خرید آن به مشتری می‌شده است. این پیشنهادها مبتنی بر استخدام و به‌کارگیری ضبط‌صوت مبتنی بر هستی‌شناسی انسان‌محور بود. استفاده از ضبط‌صوت به‌منظور سرگرمی مانند گوش‌دادن به موسیقی در جمع دوستان، ضبط‌کردن صدای مهمانی‌ها یا سازنوازی یکی از دوستان بخشی از این سرگرمی‌ها بود. استفاده از ضبط‌صوت در فعالیت‌های آموزشی گروه دیگری از پیشنهادهای موجود در آگهی‌ها را تشکیل می‌داد. در این گروه ضبط‌صوت برای ضبط سخنرانی معلم در کلاس، آموزش تلفظ صحیح کلمات به کودکان به کار گرفته می‌شد و گاهی نیز معلم با تمرین و ضبط سخنرانی جلسهٔ آیندهٔ خود از آن بهره می‌گرفت. گروه سوم پیشنهادها به ثبت خاطرات مربوط می‌شد. این پیام در آگهی‌ها به مصرف‌کننده یادآوری می‌کند که لحظات زندگی گذرا هستند؛ بنابراین بهتر است تا جایی که می‌توان این لحظات را ثبت کرد؛ ضبط صدای کودک وقتی اولین کلمات را به زبان می‌آورد یا ضبط صدای گپ‌وگفت با دوستان همگی نمونه‌هایی از کاربرد ضبط‌صوت برای خاطره‌پروری و ثبت آن است.

با بررسی نمونه‌های استفادهٔ واقعی از ضبط‌صوت در زندگی روزمره (در اینجا نمونهٔ موجود در خانه‌موزهٔ شریعتی) معلوم شد اگرچه در ابتدا مصرف‌کنندگان با استقبال از پیشنهادهای موجود در آگهی‌ها از ضبط‌صوت استفاده کرده‌اند؛ اما با قرارگرفتن در مسیر حرکت‌های اجتماعی استفاده از ضبط‌صوت تغییر کرده است. به نظر می‌رسد این تغییر مسیر نتیجهٔ تغییر در هستی‌شناسی کاربران ضبط‌صوت بوده است. کاربران که از هر طبقه و گروه اجتماعی در جریان فعالیت انقلاب در کنار هم قرار گرفته بودند و برای یک هدف واحد فعالیت می‌کردند، متأثر از دیدگاه عدالت‌خواهانهٔ آن دوران (دهه‌های ۴۰ و ۵۰) نه فقط خود را با سایر انسان‌های جامعه برابر می‌دیدند بلکه با سایر پدیده‌های موجود در پیرامون خود از جمله ضبط‌صوت برابر می‌دیدند که قرار است در رسیدن به هدفی واحد با هم همکاری کنند. ضبط‌صوت همانند سایر مبارزین مبارزه می‌کرد. ضبط‌صوت می‌توانست در نقش سخنران افکار را هدایت کند، به هم پیوند بدهد و عامل ایجاد وحدت شود. مثلاً به جای رهبر غایب با همان لحن و صدا و همان کلمات سخن بگوید یا با تکثیر شدن هزاران کلاس درس اسلام‌شناسی در دورافتاده‌ترین نقاط برپا کند. بنابراین با محدودیت‌های حاکمیتی و نظامی که آموزش را به دانشگاه محدود می‌کرد یا با تبعید کردن رهبر سعی داشت او را از دسترس دور و به‌تدریج از یادها پاک کند، مقابله می‌کرد. به‌علاوه، با غلبه بر محدودیت زمان و مکان عاملیت خود را در برابر قوانین وضع شده به نمایش می‌گذاشت. ضبط‌صوت برای پذیرفتن عضویت در این مجموعه‌های ناهمگن شرایط خودش را داشت. مثلاً هزینهٔ تهیهٔ آن، علی‌رغم در دسترس بودن، ارزان نبود. براساس گزارش سیدامین شجاعی معادل یک ماه حقوق یک معلم بود. برای تداوم همکاری لازم بود برق با باتری مورد نیازش تهیه شود. کسی که قرار بود صدایش ضبط شود باید از میکروفن استفاده می‌کرد و اطرافیان او نیز می‌بایست سکوت را رعایت می‌کردند. همچنین ضبط‌صوت مانند همهٔ اشیای دیگر تعهدی به اعضای مجموعهٔ خود نداشت و همین امر جایگاه آن را در هستی‌شناسی ابژه‌محور محکم می‌کرد؛ اگر یک انسان مبارز هم‌رزم خود را ولو زیر شکنجه لو نمی‌داد، ضبط‌صوت چنین تعهدی نداشت. ممکن بود ضبط‌صوت و نوارهای ضبط‌شده توسط رژیم به‌عنوان مدرک جرم درنظر گرفته شود و محکومیت اعضای مجموعه را در پی داشته باشد و همزمان در فعالیت‌های سازمانی به کار گرفته شود. همچنین ضبط دقیق کلمات سخنران توسط ضبط‌صوت را نمی‌توان بر صداقت یا درستکاری او تعبیر کنیم. زیرا نسبت دادن ویژگی‌های انسانی به اشیاء ما را در همان

دام هستی‌شناسی انسان‌محورانه می‌اندازد.

در خاتمه پیشنهاد می‌شود مطالعات جدی‌تری در عرصه‌های تازهٔ نقش‌آفرینی ضبط‌صوت انجام شود؛ زیرا این وسیله هنوز هم عرصهٔ مقابله با ایدئولوژی حاکم است و با لغزیدن به میان توده تا طبقات فرودست پیش رفته و در آنجا به‌عنوان وسیله‌ای برای کسب درآمد تبدیل شده است. امروزه، دوره‌گردهایی که مایه‌ای از نوازندگی یا خوانندگی دارند با پخش موسیقی با صدای بلند از یک دستگاه ضبط‌صوت قابل‌حمل - و گاهی همراهی‌کردن با آن - به شوق گوش‌دادن جمعی به موسیقی پاسخ می‌دهند و کسب درآمد می‌کنند. اما این بار محتوای آنچه پخش می‌شود با آگهی‌های ضبط‌صوت هم‌خوانی بیشتری دارد. امروزه محتوای آنچه ضبط‌صوت پخش می‌کند آهنگ‌های انقلابی نیست؛ بلکه موسیقی‌های اغلب لس‌آنجلسی است که در زمرهٔ آهنگ‌های غیرمجاز قرار دارد. دوره‌گرد در شکاف میان سلیقهٔ مردم و امر قانونی به‌وسیلهٔ ضبط‌صوت عاملیت خود را به نمایش می‌گذارد. همچنین نمونه‌های دیگری از پخش عمومی موسیقی و صدای ضبط‌شده - مانند تبلیغات انواع فروشگاه‌ها به‌جای دادزن‌ها و یا فروش میوه یا خرید اجناس مستعمل خانگی - برای کسب درآمد نیز وجود دارد که هریک می‌توانند موضوعی برای پژوهش‌های بعدی باشند.

پی‌نوشت

1. Structure
2. Agency
3. Bruno Latour (1947-2022)

۴. گراهام هارمن مدعی است که از این اصطلاح در سال ۱۹۹۷ در آثار خود استفاده کرده و در سخنرانی فلسفهٔ معطوف به شیء (۱۹۹۹) آن را به‌طور علنی مطرح کرده است. این سخنرانی بعدتر در کتاب او با نام «رئالیسم نظرورزانه» منتشر شده است (هارمن، ۱۴۰۲: ۲۷۱).

۵. ضبط صدا بر روی نوارهای پلاستیکی روکش‌شده‌ای که توسط AEG تولید شده بود، به حدی بهبود یافت که تشخیص سخنرانی‌های رادیویی آدولف هیتلر به‌صورت زنده یا ضبط شده غیرممکن بود. مهندسان و مخترعان در ایالات متحده و بریتانیا قادر به بازتولید این کیفیت صدا نبودند(URL:1).

۶. در سال ۱۹۳۵ شرکت آلمانی AEG دستگاهی به نام مگنتوفون (magnetophone) عرضه کرد و برای اولین بار ارکستر فیلارمونیک لندن را ضبط کرد(URL:1). قدیمی‌ترین نمونهٔ ضبط‌شدهٔ موسیقی روی نوار مغناطیسی به سالهای ۱۹۳۶-۱۹۴۴ و به آثاری از دو رهبر برجستهٔ ارکستر در دوران رایش سوم به نام ویلهلم فورتوانگلر (Wilhelm Furtwängler)و هربرت فون‌کارایان (Herbert von Karajan) مربوط می‌شود (Mc Murray, 2017).

۷. پس از شکست آلمان، رادیوی شوروی در تابستان ۱۹۴۵، با تعریف نوار به‌عنوان غنیمت جنگی کاربرد آن گسترش داد و دهها هزار نوار موسیقی ضبط‌شده از پراگ به مسکو منتقل شد تا جلسات محرمانه یا دادگاه‌ها روی آنها ضبط شود. ایرینا آنتونووا (Irina Antonova)، متصدی موزهٔ هنرهای زیبای پوشکین، در مصاحبه‌ای اظهار داشت کنترل مستمر روسیه بر آثار هنری‌ای که پس از جنگ جهانی دوم از آلمان گرفته شده بود، به منزلهٔ «سپرده‌ای فرهنگی و بهایی پرداخته شده برای یادآوری» بود که غرامتی از فاشیسم به حساب می‌آید اما نسخهٔ امریکایی این انتقال متفاوت بود و شامل انتقال فناوری می‌شد (Mc Murray, 2017).

۸. برای نمونه نگاه کنید به:

Murray, P. (2017). Once Upon a Time: a Superficial History of Early Tape. Twentieth-Century Music, 14)1(,25-48.

9. Multitrack Recording
10. Stereo Separation
11. Tony Schwartz (1923-2008)

۱۲. شوارتز به کمک یک ضبط‌صوت باتری‌خور توانست یک آرشیو صوتی از صداهای مرتبط با زندگی روزمره گردآوری کند که اکنون به آدرس زیر موجود و قابل دسترسی است: https://tonyschwartz.org

13. do it yourself
14. Carolyn Birdsall and others
15. P.P Verbeek

۱۶. برای مطالعهٔ بیشتر دربارهٔ این موضوع مراجعه کنید به کاظمی، عباس. (۱۳۹۸). **امر روزمره در جامعهٔ پساانقلابی**. تهران:

فرهنگ جاوید.

۱۷. برونو لاتور معتقد است جداکردن طبیعت از فرهنگ کار دشواری است زیرا در عصر ما بسیاری از هستومندها آمیزه (هیبرید) و ساختهٔ دست هستنده‌های انسان و ناانسان هستند مانند حفرهٔ لایهٔ اوزون (هارمن، ۱۴۰۲: ۷۰).

۱۸. دیدگاه برونو لاتور با عنوان نظریهٔ کنشگر-شبکه شناخته می‌شود. برای مطالعهٔ بیشتر به کتاب مذاکره با اشیا اثر رحمان شریف‌زاده، نشر نی مراجعه کنید.

19. Vitalism
20. Actor-Network Theory (Ant)
21. Speculative Realism
22. Object-Oriented Ontology (Ooo)
23. Actant
24. Assemblage
25. Collective
26. Johann Gottlieb Fichte (1762-1814)
27. Summon
28. B. Brown
29. Indifference
30. Logocentrism
31. Jane Bennett (1957)
32. Animism
33. Logocentrism

۳۴. Greham Harman (۱۹۶۸) اکنون استاد دانشگاه سای آرک (Sci-Arc) در لس‌آنجلس است که تحصیلات خود را در زمینهٔ کارشناسی هنر (۱۹۹۱) و سپس ارشد و دکتری (۱۹۹۹) فلسفه ادامه داد و تدریس را از دانشگاه امریکایی قاهره آغاز کرد. او از فیلسوفان واقع‌گرایی نظرورزانه است که به خاطر طرح مسئلهٔ هستی‌شناسی اشیا شناخته شده است.

35. Edmund Husserl (1859-1938)
36. Tool-Being: Elements in a Theory of Objects
37. Levi Bryant
38. Undermining
39. Overmining
40. physicalism به معنای کاملاً فیزیکی و مادی انگاشتن ابژه‌ها/ اشیا
41. smalism به معنای محدود کردن ابژه‌ها و اشیا به اجزای تشکیل‌دهندهٔ آنها
42. literalism به معنای محدود کردن ابژه‌ها به پدیده‌هایی ساده و فاقد پیچیدگی
43. anti-fictionalism به معنای پرهیز از تخیل موقعیت‌ها و کارکردهای دیگر اشیا
44. Eidos
45. Essence

۴۶. هارمن با استفاده از استعارهٔ «دریای تیرهٔ شرابگون» از هومر نقش استعاره در انتقال معنا در زیبایی‌شناسی را تشریح می‌کند. او نشان می‌دهد چگونه ناظر با گذاشتن خود به جای بخش محذوف فحوای کلام را درمی‌یابد. برای مطالعهٔ بیشتر رجوع کنید به هارمن، ۱۴۰۲: ص۷۳-۱۰۶.

۴۷. اولین بار در سال ۱۹۹۷، در کنفرانسی با عنوان«تاریخ زندگی: خانه‌موزه‌های تاریخی» در شهر جنوای ایتالیا مفهومی به‌نام خانه‌موزه تعریف شد؛ خانه‌هایی که اثاث و مجموعه‌های مختلفی دارند و به‌طور دائم یا مناسبتی باز هستند و براساس محتویاتشان از یکدیگر متمایز می‌شوند. یک سال بعد، با تأسیس انجمن بین‌المللی خانه‌موزه‌ها در ملبورن عبارت دِم‌هیس (Dem His) معادل خانه‌موزه به زبان فرانسه به‌عنوان عبارت اصلی برگزیده و تعریف آن نیز تکمیل شد؛ خانه‌ها و کاخ‌هایی که موضوعات تاریخی، معماری، فرهنگی، هنری و اجتماعی را دربرمی‌گیرند و بازدید از آنها نه فقط به دلیل داشتن اشیای جذاب بلکه به دلیل وجود محیطی محسوس تجربه‌ای متفاوت ایجاد می‌کند. سرانجام در سال ۲۰۰۷ خانه‌موزه‌ها در قالب یازده گروه طبقه‌بندی و معرفی شدند(URL 1).

۴۸. سناریوی موزه عبارتست از مجموعهٔ دستورالعمل‌ها، توضیحات فنی، توصیف‌ها، پیشنهادها، دربارهٔ نحوهٔ تفکیک تالارهای موزه و اشیای ارائه شده در هر تالار به همراه مفهوم هر تالار. لازم است اشیا با استفاده از معیارهای علمی، هنری، روانشناختی، به نحوی در کنار هم قرار بگیرند که در مجموع مطالب پیوسته‌ای را برای بازدیدکننده بیان کنند (نفیسی، ۱۳۹۳: ۹۸).

49. Hide Himmelwiet (1918-1989)
50. William Hachten (1942-2018)
۵۱. شریعتی پس از ممنوعیت سخنرانی و آزادی از زندان در سال ۱۳۵۳، اجازهٔ سخنرانی یا فعالیت اجتماعی نداشت و از سال ۱۳۵۴ تا هنگام مهاجرت به اروپا (۱۳۵۶) عملاً خانه‌نشین بود.

منابع و مآخذ

- الگار، حامد. (۱۳۶۰). **انقلاب اسلامی در ایران**، ترجمه مرتضی اسدی و حسن چیذری. تهران، قلم.
- شعاع‌حسینی فرامرز و رحیم روح بخش. (۱۳۸۷). **خاطرات حجت الاسلام و المسلمین اسماعیل فردوسی‌پور**. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- کاظمی، عباس. (۱۳۹۸). **امر روزمره در جامعهٔ پساانقلابی**. تهران: فرهنگ جاوید.
- طاهری‌کیا، حامد. (۱۴۰۱). موسیقی و حیات اجتماعی نوار کاست در دههٔ شصت شمسی در ایران. **مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران**، دوره ۱۱(پیاپی ۴۱)، ۱۹۱-۱۶۷.
- فرقانی، محمدمهدی. (۱۳۸۲). **درآمدی بر ارتباطات سنتی در ایران**. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فوکو، میشل. (۱۳۷۷). **ایرانیها چه رؤیایی در سر دارند؟؛ شورش ایران روی نوار ضبط‌صوت پخش می‌شود**. مترجم: حسین معصومی همدانی. تهران: ۱۳۷۷، ۶۰-۵۳.
- مظفری‌پور، روح‌الله (۱۴۰۰). بررسی نظریهٔ اخلاق اشیا و عاملیت فناوری و پیامدهای آن در تعلیم و تربیت. **فصلنامه نوآوری‌های آموزشی**، دوره ۷۸ (۱۴)، ۱۳۸-۱۱۹.
- میرزایی، محسن. (۱۳۹۶). **۲۳۰ سال تبلیغات بازرگانی در مطبوعات فارسی زبان**، مجلدات ۲تا۴، تهران: سیته.
- نفیسی، نوشین‌دخت (۱۳۹۳). **موزه‌داری**، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- هارمن، گراهام. (۱۴۰۲). **هستی‌شناسیِ معطوف به شیء یک تئوری همه‌چیز جدید**. مترجم: نوید حمزوی، تهران: نیماژ.
- هایزر، رابرت. (۱۳۶۵). **خاطرات ژنرال هایزر، مأموریت در تهران**، مترجم: علی‌اکبر عبدالرشیدی. تهران: اطلاعات.
- هیملویت، هایدتی. (۱۳۷۶). ارتباطات سیاسی و رسانه‌های جدید، مترجم: علی کسمایی، *فصلنامهٔ رسانه*، سال هشتم، (۱)، ۲۵-۱۲ .

- Barad, K. (2003). Materialitat Denken, Posthumanist Performativity: Toward an Understanding of How Matter Comes to Matter. *Journal of Women and Societ*y, 28 (3), 801-831.
- Cole, A. (2013). The Call of Things: A Critique of Object-oriented Ontologies. *Minnesota Review*, (80), 106-118.
- Harvey, G. (2006). **Animism: respecting the living world**, New York: Columbia University Press
- Mc Murray, P. (2017). Once Upon a Time: A Superficial History of Early Tape. *Twentieth-Century Music,* 14)1(,25-48.
- Massinon, P. (2016). A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy: *Active Listening: The Cultural Politics of Magnetic Recording Technologies in North America* 1945- 1993, University of Michigan
- Mazzei, L. A. (2013). *A voice without organs: Interviewing in posthumanist research*. International journal of qualitative studies in education, 26(6), 732-740.
- Staub, I. M. (2020). **Redubbing the Underground: Cassette Culture in Transition**, A thesis submitted to the faculty of Wesleyan University in partial fulfillment of the requirements for the Degree of Bachelor of Arts with Departmental Honors in Music.
- VanPool, Ch. S. & Newsome, E. (2012).The Spirit in the Material: A Case Study of Animism

in the American, *American Antiquity*,77(2),243–262.
- (URL1) (https://B2n.ir/k30025 (accessed 2025/2/1)
- (URL2) https://drshariati.org/?p=13504 (accessed 2025/2/1)
- (URL3) https://jamejamdaily.ir/newspaper/BlockPrint/253558 (accessed 2025/2/1)
- (URL4) https://B2n.ir/a78038 (accessed 2025/2/26)
- (URL5) https://B2n.ir/m37749 (accessed 2025/2/26)
- (URL6) https://B2n.ir/z77485 (accessed 2025/2/26)
- (URL7) https://B2n.ir/a60507 (accessed 2025/2/26)
- (URL8) https://B2n.ir/x76769 (accessed 2025/2/26)
- (URL9) https://B2n.ir/w35560 (accessed 2025/2/26)
- (URL10) https://B2n.ir/q11294 (accessed 2025/2/26)
- (URL11) https://B2n.ir/a42048 (accessed 2025/2/26)
- (URL12) https://B2n.ir/q66252 (accessed 2025/2/26)
- (URL13) http://drshariati.org/?p=24218 (accessed 2025/3/30)
- (URL14) http://drshariati.org/?p=8540 (accessed 2025/3/30)

Received: 2025/06/09
Accepted: 2025/10/25

An Investigation into the Object Agency in Object-oriented Ontology according to Graham Harman's Perspective: A Case Study of Tape Recorders at the House-Museum of Dr. Ali Shariati

Monireh Sadat Naghavy*

Abstract

In response to the question of how objects demonstrate their agency in interaction with humans, this article explores the various agencies of tape recorders in Ali Shariati's life. Despite their stability, objects shift from an anthropocentric ontology to a flat ontology in different social contexts, thereby revealing their agencies. Investigating the agency of objects involves examining their impact on human life. Graham Harman is one of the philosophers who considered objects at the center of his ontological framework and chose object-oriented ontology instead of human superiority. This research introduces the concept of the flat ontology and outlines its differences from anthropocentric ontology. It discusses the features of object-oriented ontology from Harman's perspective and then considers the definition of the agency of objects in Harman's four-element model. This qualitative research uses descriptive and analytical methods, drawing on both written and electronic library resources, as well as field observations. First, it examines the functions of the tape recorders according to magazine advertisements in the 1950s-1960s as foreseen tasks for objects in an anthropocentric ontology. Then, it considers the narratives of tape recorders in Ali Shariati's house museum. Finally, it turns out that although advertisements depicted tape recorders as tools for entertainment or informal learning, in the context of social activities-particularly involving prominent figures such as Ali Shariati-they evolved into instruments of resistance in formal settings. These objects not only influenced the actions of activists but occasionally substituted for them, guiding or redirecting their efforts.

Keywords: Object-oriented ontology, Object agency, Graham Harman, House-museum of Dr. Ali Shariati, Tape recorder

* PhD in Art Research, University of Art, Tehran, Iran